

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۱۰۹ دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۳۸۵ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۳/۰۵/۰۱

- منظومه‌ی ده‌گانه‌ی صحیفه مبارکه سجادیه
- ۱. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»
- ۲. «وَأَذْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ»
- ۳. «وَأَغْذِنِي بِبِنِعْمَتِكَ»
- ۴. «وَأَصْلِحْ لِي بِكَرَمِكَ»
- صحیفه سجادیه ترجمان عرشی قرآن کریم است
- آرائه‌ی خطوط اصلی مباحث سیاست الهی در صحیفه سجادیه
- ترویج و برافراشتن پرچم آل‌الله، در اوج خفقان جامعه
- مبارزه بی‌امان امام سجاد (علیه‌السلام) با حاکمیت خلفای جور

می‌کنیم: «السلام علیک
یا بقیة الله آجرک الله فی
مصیبة جدک الحسین علیه
السلام». امید داریم که ان
شاءالله از نگاه لطف و کرم
آن حضرت بهره‌مند باشیم.

از خدای متعال می‌خواهیم
که عزاداری‌ها و عرض
ارادت‌های همه دوستان
اهل بیت (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) در
سراسر عالم در کشور عزیزمان
منخصوصاً جمع عزیز حاضر
را به لطف و کرمش بپذیرد و
ان شاءالله سرمایه سعادت دنیا
و آخرت همگان قرار بدهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمند

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي بَلْطَفِكَ، وَ
اغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ، وَ أَصْلِحْ لِي
بِكَرَمِكَ، وَ دَاوِنِي بِصُنْعِكَ،
وَ أَظْلِنِي فِي ذَرَاكَ، وَ جَلِّ لَنِي
رِضَاكَ، وَ وَقْفِنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ
عَلَيَّ الْأُمُورُ لِأَهْدَاهَا، وَ إِذَا
تَشَابَهَتْ الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا، وَ
إِذَا تَنَاقَضَتْ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا.»^۱

اولاً تسلیت عرض می‌کنیم
ایام سوگواری سید و سالار
شهیدان اباعبدالله (علیه‌الصلوة‌والسلام)

را و ایام اسارت آل‌الله
(سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) را به محضر

حضرت بقیة‌الله‌الاعظم
(عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و به

محضر حضرت عرض

۱ فرازی از دعای بیستم صحیفه
مبارکه سجادیه

منظومه‌ی ده‌گانه‌ی صحیفه مبارکه سجادیه ۱. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»

در گزارشی که از مضامین دعای شریف مکارم الاخلاق صحیفه مبارکه سجادیه داشتیم رسیدیم به این قسمت که یک درخواست منظومه‌ای بسیار جالب و جذابی را حضرت این‌جا مطرح می‌کنند که ملاحظه هم می‌فرمایید مثل همیشه به ویژه در دعای بیستم با صلوات شروع می‌شود «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» و یک فهرست نه‌تایی دارد، اگر خود صلوات را به آن اضافه کنید می‌شود ده‌تا، چون خود صلوات هم صدر همه درخواست‌ها رونق‌بخش به درخواست‌ها و به مقصد رساننده درخواست‌ها است.

هم خودش صدرنشین است، هم رونق‌بخش است، هم به مقصد رساننده و تضمین همه درخواست‌های دیگر است. لذا صلوات را هم که ما محاسبه کنیم این‌جا می‌شود ده درخواست، یک بسته ده‌تایی به محیط لطف پروردگار متعال آورده می‌شود و خواسته می‌شود. در این بسته ده‌تایی، لطایف و ظرایفی هست، نکته‌های لطیفی هم هست، من با اجازه‌تان ابتداء فهرستی را که اکنون برای شما خواندم یک ملاحظه سریع و مرور سریع و اجمالاً یک ترجمه مختصر داشته باشم، بعد چند نکته است که در ضمن این فهرست ده‌گانه نیاز به یک مراجعه و تأکیدی دارد که ان شاء الله آن‌ها را به لطف

جا تقاضایی که مطرح شده این است که خدایا من در معرض انواع و اقسام بلاها و گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها هستم؛ ظاهری، باطنی؛ مادی، معنوی؛ دنیایی، آخرتی؛ فکری، ذکری؛ بدنی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی. بالاخره ما در این گونه محیط داریم زندگی می‌کنیم، از همه طرف تیر بلا به سمت ما شلیک می‌شود. اگر هم کسی چنین توقعی ندارد اشتباهی فکر کرده است چون دنیا اصلاً یعنی همین. اصلاً دنیا یعنی همین، محیط زندگی ما در دنیا یعنی محیط بلا و ابتلاء و تیرباران شدن توسط تیرهای بلا و مصیبت انواع و اقسام آن. یک قسم آن را قرآن کریم می‌گوید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ

خدای متعال و به فضل او عرض خواهم کرد. ولی امروز در حد همین که یک ترجمه مختصری عرض کنیم تقدیم می‌کنم. اگر فرصت اجازه داد به مناسبت یک مراجعه‌ای هم به صحیفه مبارکه سجادیه از منظر جهاد امام سجاد (علیه‌السلام) خواهم داشت که آن هم به صورت فهرست خواهد بود که تناسب با ایام حماسه آن حضرت هم دارد.

۲. «وَ اَدْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ»

اگر یادتان باشد یکی از آن عناوین کاملاً سیاسی و الهام‌بخش از نظر خط ولایت در صحیفه مبارکه سجادیه صلوات است. بعد فرمود: «وَ اَدْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ»، این درخواست اول است. این

مِنْ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ^۲ این «بشر الصابرين» یعنی شما لابد از این‌ها هستید، این‌ها دیر یا زود به سمت شما می‌آید. این یک واقعیت است. حالا این جا امام (علیه السلام) به پیشگاه خدای متعال عرضه می‌دارد و توقع می‌کند که حضرت حق با لطفش؛ لطف آن عنایت خاص را می‌گویند که در آن هم محبت هست، هم محبت نزدیک و ناظر به شرایط خاصی که آن کسی که مورد لطف قرار می‌گیرد در آن قرار دارد. اصلاً کلمه لطف خیلی بار معنای این چنینی دارد که از اسماء الحسنی هم لطیف است. «اللَّهُ لَطِيفٌ

بعباده...»^۳ خدای متعال نسبت به بنده‌هایش لطیف است. این جا حضرت می‌گوید خدایا قبل از این که تیر به من بخورد، کمانه کند برود. کلی هم فرمودند «وَ ادْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ». «درع» به معنای دفع است، «ادفع عَنِّي»، یعنی اصلاً نیاید به سمت من بیاید، همین که آمده این عبور کند، به این می‌گوییم دفع. یک وقت رفع است یعنی تیر می‌آید، اصابت می‌کند بعد می‌گوییم خدایا حالا درستش کن. آن را بعداً می‌گوییم، الان مسئله این است که اصلاً نیاید، به من نخورد. عزیزان من می‌دانند حجم مصیبت‌ها و بلاها و

۲ آیه ۱۵۵ سوره مبارکه بقره

۳

آیه ۱۹ سوره مبارکه شورا

می‌شوند، یک لحظه‌هایی دیدید پدر یا مادر می‌گوید فقط خودش است که دارد نگه می‌دارد. مخصوصاً در سنینی این بچه‌ها قرار می‌گیرند که تحرک دارند، صد جور خطر یک شبانه روز از آن‌ها برطرف می‌شود، ولی چه کسی این را گرفت که این نیفتاد، سرش نخورد به این دیوار، فلان بلا به سر او نیامد و این‌ها. حالا بیماری و این‌ها دیگر به جای خودش بماند. «وَ اَدْرَأْ عَنِّي بَلَطَفِكَ» من از تو توقع دارم که این بلاها و مصیبت‌ها را از من به لطفت درع کنی و دور کنی. این درخواست اول است. این یک منظومه درخواستی خیلی خاص است. یک نکته‌ای هم این‌جا عرض کنم «وَ اَدْرَأْ عَنِّي

گرفتاری‌هایی که به عنایت الهی از ما درع می‌شود یعنی دفع می‌شود اصلاً قابل تصور برای ما نیست. یعنی از همین صبح امروز تا الان که از خواب بلند شدید چه بسا بلاهایی آمده به سمت شما و خدای متعال آن‌ها را دور کرده باشد، منتها شما بی‌خبر هستید. ما نمی‌دانیم، یک حجمی از این‌ها از ما دور شده است. بعضی‌ها را هم شما متوجه می‌شوید، دیدید یک لحظه است، یک بلایی دارد به سر شما می‌آید، می‌بینید معجزه‌آسا از انسان عبور می‌کند، خب بله، شما را مولا نگه داشته است. ما در مورد بچه‌هایمان این را خیلی درک می‌کنیم. پدر و مادرها که بالاخره بچه‌ها جلوی چشم‌شان بزرگ

تو قرار دارد من به خودت پناه می‌برم. «و [أَعُوذُ] نَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ» این در تعقیبات نماز هست. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا» در همه کارهایی که مرتبط با خودم هست از تو عافیت می‌خواهم که اتفاقاً می‌شود گفت این کلمه «و ادْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ» درخواست عافیت جامع است، آن هم عافیت به معنای اول یعنی صیانت از مصیبت‌ها. این است که انسان اصلاً مبتلا نشود. یک مرحله دیگر رفع است، یک وقت انسان مبتلا می‌شود بعد می‌گوید خدایا حالا من را نجات بده.

بَلُطْفِكَ»، این که من از مقام لطف تو که آن عنایت خاصی است که به من از اول داشتی و همیشه حواست به من بوده، از تو این توقع را دارم، این توقع به بیان‌های مختلفی در کلمات اولیاء هست. یک دعایی هست که در تعقیبات مشترک نمازها می‌خوانید، می‌گویید که خدایا من از تو درخواست می‌کنم از هر خیری، «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ» یعنی هر خیری که در محیط علم و آگاهی تو هست من می‌خواهم، به من برسان. خب در برابر آن چی؟ می‌گویید «أَعُوذُ بِكَ» یا «نَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرِّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ» چقدر کلی است. و از هر شر و از هر بدی که در محیط علم

۳. «وَ اغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ»

و حضور را به انسان در این عالم می‌دهد، این می‌شود غذا. نسبت به جسمی‌اش هم این هست، نسبت به روح و روانش هم هست. باز تعبیر به غذا می‌شود که در بعضی از روایات و اشارات هست، مثل مثلاً تغذیه فکر ما با معارف. یعنی هم‌چنان که شما غذا می‌خورید جسم‌تان سالم بماند، متحرک، پویا و بتواند دوام پیدا کند، فکر شما هم نیاز به تغذیه دارد، آن هم باید تغذیه بشود، تغذیه فکر با معارف و از این قبیل است. سازمان روانی شما نیاز به تغذیه دارد، یکی از مهم‌ترین تغذیه‌هایش عاطفه است، باید از جهت عاطفی و محبتی انسان تغذیه بشود. بعضی‌ها گرفتار سوء تغذیه جسمی هستند، بعضی‌ها گرفتار

مطلب دوم خیلی صمیمانه، جامع و شیرین است، «وَ اغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ» من را با نعمت خودت تغذیه کن. «وَ اغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ» این جالب است. غذا هم که تکلیفش معلوم است یعنی هر چیزی که باعث قوام و دوام وجود انسان می‌شود از آن تعبیر می‌شود به غذا، حالا جسمی‌اش که معلوم است که انسان ابتدای روزانه دارد یعنی اگر نرسد مبتلا می‌شود به جوع و گرسنگی و بعد هم می‌رود در معرض بیماری و زوال و فنا و فساد جسم و همه چیز این جور است. همین غذایی که می‌خوریم این است که به لطف خدای متعال این سرپا نگه می‌دارد، امکان تداوم زندگی

سوء تغذیه فکری هستند، بعضی‌ها گرفتار سوء تغذیه عاطفی هستند. از همه این‌ها هم بالاتر سوء تغذیه روحی است. روح انسان هم نیاز به تغذیه دارد. روح شما تغذیه‌اش در اتصال به حضرت حق و عظمت پروردگار متعال است، آن جاست که با عبادت تغذیه می‌شود. روح انسان با عبادت تغذیه می‌شود، وقتی روح تو متصل می‌شود به حضرت حق در مقام بندگی و در مقام تسبیح و تقدیس و تحلیل و تکبیر و نماز و سجده و رکوع و دعا و مناجات و این‌ها قرار می‌گیری در واقع داری متصل می‌شوی. یعنی این سیم روح شما به تعبیر ما متصل می‌شود به معدن خودش، چون فرمود

«وَنَفَّخْتُمْ فِيهِ مِنْ رُوحِي»^۱ این از عالم الهی در وجود تو قرار گرفته است. اگر متصل به عالم خودش بشود تغذیه می‌شود. اگر انقطاع پیدا بشود ضعیف می‌شود، فقیر می‌شود و گرفتار موت می‌شود. مرگ روحی هم داریم، چنان که مرگ جسمی داریم. آن هم هست. بنابراین کسانی که سهم دائمی خودشان را از تغذیه روحانی دریافت نمی‌کنند این‌ها گرفتار سوء تغذیه هستند از جهت روحی که اصلی‌ترین بخشش است که باید تغذیه مداوم بشود، که اگر آن انقطاع پیدا بشود این اصلاً گرفتار سوء تغذیه روحی می‌شود و روح انسان اگر گرفتار سوء تغذیه بشود، خسارتش قابل

آن جایی که حقیقت وجودی او کانون اصلی اش که قلبش باشد متصل می شود به عالم ربوبی، متصل که شد این اتصال مساوی است با تغذیه. چون اتصال ظرف وجودی شما است به مخزن غیب و از آن جا که خزانه کرم است، این می رسد. می رسد به این، حالا به سهمی که ظرف و ظرفیت داشته باشد. هم چنان که ظرف یک اندازه ای دارد، هر کسی هم یک ظرفیتی دارد. هرچی شما در آن اتصال ظرفیت ببرید دریافت خواهید کرد، به شما اشراق می شود، از ناحیه حضرت حق تبارک و تعالی افاضه می شود. حالا انسان فرصت های معنوی که از دست می دهد، مخصوصاً فرصت نماز، فرصت تلاوت

توصیف نیست. لذا مثلاً اگر شما یک وعده نمازت به تو نرسد آن جوری که باید برسد، یعنی دیگر نرسیده است. یک وعده نماز، این هایی که چیده خدای متعال، این قدر این چیدمان دقیقی دارد یعنی برای همان اتصال روحی است. شما اگر این ارتباط برقرار نشود و این تغذیه نشود، طفل جان شما مثل این است که مثلاً امروز شیر نخورده است. خب یک وعده نخورد، دو وعده نخورد، چه می شود؟ اندام های آن چه می شود. اولش این است که اصلاً ناقص می شود، بعد هم می رود رو به موت. لذا این ارتباط ها و اتصال های ملکوتی عمدتاً حالت ذکر برای انسان فراهم می شود.

آیات الهی، اگر مثلاً در طول یک شبانه‌روز این‌ها را کم داشته باشد یا مثلاً نمازش فقط مثل نماز بنده باشد، همین رکوع و سجده و اصلاً در نماز نبوده، چیزی گیر او نمی‌آید. و هکذا سایر موارد. کسی که این بخش را نداشته باشد گرفتار سوء تغذیه روحی می‌شود، لذا روح او یک عملکرد درستی ندارد. همین مسئله پس در ناحیه فکر هم هست، هرچه عمیق‌تر می‌شوید حساس‌تر است و گاهی هم بیشتر مورد غفلت است. فکر ما هم همین‌طور است. شما فکرتان، محیط عقلانی‌تان اگر تغذیه نشود با معارف و با تفکر، یعنی منطقه عقلانی شما باید دائم تغذیه بشود با معرفت، اگر این تغذیه

نشود و با تفکر که قبلاً به مناسبت‌هایی عرض کردیم، اگر این تغذیه نشود باز آن جا هم گرفتار سوء تغذیه می‌شود، اندام‌های فکری او شکل نمی‌گیرد، اندام‌های عقلانی او ضعیف است. از جهت سطح معرفت آن رشد لازم را نمی‌کند. در واقع آن غیب الغیب وجود ما که از اتصال به عالم غیب تغذیه خودش را دریافت می‌کند، آن منطقه عقل ما است که یکی از جلوه‌های ویژه آن است که این را باید دریافت کند. این اگر به اندازه مناسب و درست دریافت نکند و تغذیه نشود این آدم گرفتار سوء تغذیه شده است. یعنی اگر یک کسی چشم برزخی داشته باشد به جناب‌عالی نگاه کند، در نگاهش به شما

می‌بیند که یک باطن معلول، رنجور، بسیار ضعیف مثل یک کسی که دیدید خدای نخواستہ از جهت جسمی سوء تغذیہ سنگین گرفته باشد چه جوری است، می‌گوید ای بابا این که این جوری است. می‌گوید همین طور است. عرض کردیم روان ما نیاز به تغذیہ دارد. تغذیہ روان انسان نقطه گرانگاہ آن تغذیہ عاطفی است. باید با عواطف اشراب بشود، وَاَلاَ آن جا هم گرفتار یک سوء تغذیہ دیگری می‌شود. آن نقطه کانونی‌اش است. البتہ منحصر به این نیست، متنها ما معمولاً وقتی تعبیر می‌کنیم به غذای عاطفی و تغذیہ عاطفی این خودش یک تنوعی دارد. مثلاً عاطفہ مادرانہ یک عالمی دارد. عاطفہ پدر یک

عالمی دارد. عاطفہ دوست، محبت دوست یک عالمی دارد. عاطفہ و محبت همسر یک عالمی دارد. عاطفہ فرزند نسبت به پدر، انسان وسط این نظام تعاطف باید سهم عاطفی خودش را دریافت کند تا یک تغذیہ مناسب داشته باشد. حاصلش هم سکونت است، آرامش درونی است. خیلی از ماها که آن آرامش لازم را نداریم خودمان نمی‌فهمیم علتش چیست، اصلش این است که ما از جهت عاطفی تغذیہ نمی‌شویم، نشدیم، یا این تغذیہ ناقص است. تغذیہ گاهی وقت‌ها دریافت شده ولی ناقص است. مثلاً مادرانہ‌اش را خوب دریافت کرده، پدرانہ‌اش را نه. این‌ها را خوب دریافت کرده، همسری‌اش را نه. این‌ها را بد

نبود ولی در محیط دوستانه از محیط اتصالات اجتماعی نه و هکذا. این‌ها چون هر کدام یک طعمی دارد و یک سهمی دارد. این‌ها است. اطلاق این درخواست‌ها هم جالب است. سید (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) در شرح، که ما هر وقت می‌گوییم سید، منظور جناب سیدعلی خان مدنی شیرازی است، بزرگ، بزرگ، بزرگ، رضوان الله تعالی علیه. در صحیفه هر وقت می‌گوییم سید، منظور آن است که شرح کبیر را در صحیفه دارد. شرح فنی است، مخصوصاً ادبی‌اش خیلی فوق‌العاده است، جهات دیگرش هم خوب است ولی مخصوصاً از نظر ادبی. مثلاً ایشان همان اول می‌گوید: «وَ اَدْرَأُ عَنِّي بِلُطْفِكَ» این جا

نمی‌گوید با چی، کدام بلاها را از من دفع کن، کلی گفته است. مفعول را وقتی ذکر نمی‌کند از آن تعمیم به دست می‌آید. یعنی همه انواع و اقسام شر و بلا و مصیبتی که می‌تواند به سر من بیاید، این‌ها را از من دور کن. حالا من هم همان فهرستش را خدمت‌تان عرض کردم. این جا هم همین‌طور است، می‌گوید: «وَ اَغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ» من را با نعمت خودت تغذیه کن. چقدر وسیع است، یعنی شامل انواع و اقسام غذاها می‌شود؟ بله. شامل تمام ابعاد شخصیت ما و لایه‌های ظاهری، باطنی، جسمی، روانی، فکری، عقلانی و روحانی، همه این بخش‌ها را دربر می‌گیرد. «وَ اَغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ» تعبیر «بنعمتک»

داشت. می‌گویم «وَأَصْلِحْنِي» از کرم خودت آنچه که فساد در وجود من هست خودت اصلاحش کن. حالا یک جایی هم داریم «ما فسد مني» یک چیزهایی است که این طرف فاسد است، فساد یعنی این. خب این نیاز دارد به اصلاح. اصلاح هر جا که گفته می‌شود مسبوق به فساد است.

امام حسین (علیه‌السلام) فرمودند «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فَيَأْتِي أُمَّةً جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي» یعنی فساد آمده من حالا باید این فساد را اصلاح کنم. او از نظر اجتماعی، تاریخ، تمدنی می‌شود

هم این جا لطیف است.

۴. «وَأَصْلِحْنِي بِكَرَمِكَ»

حالا من وسط این شرایط زندگی، خلاصه مبتلا شدم. تیر مسموم آمده اصابت کرده است، خوردم. مسموم هم که فاسد می‌کند، یک تیر مسموم فکری آمده فکر من را آشفته کرده است. مثلاً آمده اخلاق من را ضایع کرده، گرفتار فساد شدم یا خدای نخواستہ جسمی آمده، فلان بیماری را پیدا کردم، یک ویروسی شلیک شده آمده خورده است الان مریض شدم، گرفتار شدم. باز با همین معنای وسیع‌اش. این جا من می‌روم به ساحت کرم و از محیط کرامت پروردگار متعال توقع اصلاح را خواهم

مصلح. این جا هم همین طور است؛ بیماری فساد جسم است، اصلاحش به این است که این شفاء پیدا کند. به طور مثال اخلاق انسان مبتلا شده به ویروس حسادت، اجازه بدهید بگویم به سرطان حسد و حسد از جنس سرطان است. یعنی خیلی بالاتر از ویروس است. خسارتش خیلی عجیب و غریب است. یا مثلاً تکبر برای روح انسان، تکبر سرطان روح است. خیال نکنید یک مریضی آسانی است، خیلی خطرناک است. خب این فساد است. شما هم این جا باز به صورت کلی هر نوع فسادی که در وجود ما ممکن است باشد؛ فساد فکری، فساد باطنی، فساد ظاهری، فساد اخلاقی، رفتاری، عملی. انسان خیلی

وقت‌ها عملش عمل فاسدی است. کاری که انجام می‌دهد، سخنی که می‌گوید، تصمیمی که می‌گیرد، این‌ها فاسد است. این جا توقع می‌کند که چی؟ حالا من را اصلاح کن. «أَصْلِحْنِي بِكَرَمِكَ» با کرم خودت، کریمانه که خب شامل حال من هست. کرم هم آن لطف و عنایتی است که از طرف مولی کاملاً یک جانبه است و در آن هیچ توقعی وجود ندارد، توقعی در آن نیست، کریم وقتی احسان می‌کند اگر کریم باشد که توقعی ندارد که، یعنی از شما تشکر نمی‌خواهد، شخصیت طرف را هم حفظ می‌کند. یعنی آن حرمت شخص هم در این اقدام حفظ می‌شود، این سه‌تا که باشد می‌شود کرم. این جا می‌گوید که

صحیفه سجادیه ترجمان عرشی قرآن کریم است

اگرچه نگاه اول در صحیفه مبارکه سجادیه چیزی که خیلی جلوه روشن‌تری دارد جلوه عرفانی و معرفتی اخلاقی، معنوی است، نه این که قالب قالب دعاست، کأنّ بیشتر خودش را این جور می‌کند. ولی شما وقتی که به آفاق صحیفه راه پیدا می‌کنید می‌بینید شگفتا، صحیفه در واقع ترجمان عرشی قرآن کریم است و به تعداد دعاهایی که دارد؛ البته این صحیفه صحیفه‌ی جامعه نیست. این صحیفه صحیفه‌ی جامعه است. صحیفه‌ی جامعه ده‌ها دعای دیگر هم دارد، نمونه‌اش هم این دعای خمسۀ عشر است. یک وقت به شما

«وَأَصْلِحْ نِي بِكَرَمِكَ» من را اصلاح کن؛ کریمانه، از خزانه کرم خودت. این جا یک پیام‌های خیلی جالبی هم دارد. این را این جا نگه دارید. ما چهارتا از آن ده‌تا را اکنون در حد ترجمه‌ای خدمت‌تان عرض کردم. این مطلب را شما این جا نگه دارید. جلسه‌ی ما جلسه صحیفه‌خوانی است، ان شاءالله یک کمی به سمت صحیفه‌دانی برود، به سمت این که در محیط انوار صحیفه هم انسان تربیت بشود ان شاءالله. امیدمان این است.

ارائه‌ی خطوط اصلی مباحث سیاست الهی در صحیفه سجادیه

پس این را از این جهت عرض کردم که این صحیفه مبارکه سجادیه که ما با ۵۴ دعای آن انس داریم و همین هم خودش به تنهایی واقعاً از جهت تأمین نیازمندی‌های فکری، اجتماعی، فردی، اخلاقی، معنوی خیلی فوق‌العادگی دارد، در متن آن خطوط اصلی مباحث سیاست الهی هست. امام سجاد (علیه‌الصلوة والسلام) با انتخاب زبان دعا خواستند این پیام را بدهند که دعا چقدر خوش ظرفیت است، با دعا چه می‌شود کرد. با زبان دعا و توسط همین دعاها خواستند به ماها بگویند که چقدر زمانه‌شان زمانه بد و

گفتم بعضی از اهل معرفت کلاً سیروسلوک خودشان را مبتنی بر دعای خمسۀ عشر دارند، چون آن جا پله‌پله تا ملاقات خدا سیر می‌دهد که ما یک وقتی هم یک محفلی داشتیم، جلسه‌ای بود که این‌ها را مباحثه می‌کردیم. دعای خمسۀ عشر خیلی فوق‌العاده است. خوب آن که داخل صحیفه نیست. همین دعای ابی‌حمزه که مشهور است، آن که این‌جا نیست و ده‌ها نمونه دیگر. امام سجاد (علیه‌السلام) از ایشان یک دعا‌های خیلی مفصلی هم نقل شده است. در صحیفه جامعه همه این‌ها هست.

ترویج و برافراشتن پرچم آل الله، در اوج خفقان جامعه

مثلاً از جمله این است که شما وقتی صحیفه سجادیه را باز می‌کنید در اکثر صفحاتش با صلوات روبرو می‌شوید. حالا جالب است همین صفحه که من باز کردم باز از همین دعای بیستم است که داریم می‌خوانیم و همین جا هم هست، «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ مَتَّعِنِي بِالْاِقْتِصَادِ» آن جمله‌ای بود که قبلاً با هم مباحثه کردیم. یا همین دعایی که الان برای شما خواندم. غرض این که مخصوصاً اوائل در مسیر، پایان‌ها، گاهی هم صلوات‌هایش صلوات‌های تفصیلی است، مثلاً شبیه این، الان این جا دعای ششم است. باز همین جوری من آوردم،

سختی بوده که حرف‌های خیلی روشن و حیات‌بخش را نمی‌شده در قالب خطبه حضرت بگوید. حضرت که خطبه نمی‌توانستند بخوانند، ممنوع بودند. زمانه حضرت خیلی زمانه سنگینی بوده که ما شایسته است جلسات متعددی راجع به شناخت دوران حضرت و اقدام حضرت صحبت کنیم. من یک چند شبی در حرم مطهر حضرت سید الکریم عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام) یک ارائه‌ای داشتم یک مختصری، بعضی از دوستان هم مشرف بودند آن جا و به امید خدا تصمیم دارم که مفصل‌تر راجع به این بخش به مناسبت‌هایی هم با دوستان گفتگو کنیم، چون واقعاً یک بخش ناشناخته‌ای است، صحیفه هم همین طور است.

این‌ها انتخابی که نیست. «اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ، أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، وَآتِهِ عَنَّا أَفْضَلَ مَا آتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ» این‌جا حضرت یک تفصیلی می‌دهند. در خیلی جاها صلوات‌ها صلوات‌های تفصیلی است، بعضی وقت‌ها هم صلوات همین جمله شناخته شده جامع و کاملی است که می‌گوییم «اللهم صل علی محمد و آل محمد». بنابراین شما عنایت داشته باشید که صلوات‌ها در صحیفه در چه محیطی دارد ارائه می‌شود. اصلاً ما این را توجه نداریم. یعنی زمانی است که بردن اسم آل الله جرم است، بردن اسم علی بن ابیطالب جرم است. نقطه

مقابلش سبّ و زبانه لال لعن و امثال این‌ها در منبرها جاری بود. همه جا وظیفه داشتند آن‌هایی که نماز می‌خواندند، خطبه می‌خواندند، در همین مدینه، نه فقط در شام، سر منبرهای‌شان در ایام خلافت بنی‌امیه علیهم لعنة الله و بنی‌مروان امتدادشان این‌ها این‌جوری بودند. اصلاً سرّ قبولی خطبه‌هایشان این بود که باید حتماً یک بدویراهی به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) مخصوصاً و به آل الله عموماً می‌گفتند. آن وقت در این جامعه شما صلوات بفرستید و صلوات را باب کنید به هر مناسبتی، این پرچم است، غیر از آن اسرار عرفانی، لطایف معنوی و ظرایف تربیتی که دارد که من قبلاً در مطاوی دعاها گفتم، مثلاً این‌جا

زمان حضرت خیلی برجسته بوده است. این را مثلاً به آن توجه نداریم. عرض کردم جنبه‌های معنوی، عرفانی، تربیتی، آثار باطنی‌اش به جای خودش محفوظ است.

لذا دیدید در بعضی از روایات هم هست که صلوات را غیر از این جنبه فردی و شخصی‌اش می‌گویند صلوات را جمعی بفرستید، بعد جمعی که می‌فرستید با شکوه هم باشد. یعنی همین که حالا نوعاً ما انجام نمی‌دهیم. صلوات را باید بلند فرستاد، مخصوصاً در اجتماعات مؤمنین. این نکته‌اش چیست؟ نکته‌اش همین پرچم ولایت آل الله است، ولایت امیرالمؤمنین است، ولایت حجه بن الحسن است، ولایت علی (علیه السلام) است. خیلی جامع

این صلواتی که الان حضرت فرستادند یک معنای خاصی هم در جایگاه خودش دارد. غیر از این، این همه صلوات در محیط صحیفه حکایت از آن پرچم حقانیت آل الله است. چون دائماً در پیشگاه خدای متعال ذیل نام پیامبر اعظم و خاتم انبیاء آتش را شما می‌آورید، این یعنی این‌ها ادامه هستند و این حقانیت، حق با این‌ها است.

پرچم خلافت اسلامی و ولایت اسلامی باید دست چه کسی باشد؟ دست آل ابی‌سفیان باشد. ببینید این است، خط مقابله است. آن مقابلش چیست؟ آل ابی‌سفیان است. درست خط مقابلش است. این دائماً دارد می‌گوید که حق این جاست، بار معنایی سیاسی صلوات در

بفرمایید که در این دعای مشهور عرفه صحیفه که می‌شود دعای چهل و هفتم، شما دعای چهل و هفتم را بینید، در دعای چهل و هفتم امام (علیه‌الصلوة والسلام) آن جا باز غالب صلوات است «رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَايِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفَظْتَ دِينَكَ، وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ» اصلاً محمد و آل محمد را تو به عنوان مدیریت عالی جامعه بشری قرار دادی. یعنی کل بقیه غاصب هستند. به همین صراحت. یعنی کلاً هرچه که هست غصب است. «حَفَظْتَ دِينَكَ وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ» چون آن‌ها می‌گفتند خلیفه‌الله فی الارضین کیست؟ معاویه است. می‌دانید کارشان به کجا رسید؟

است، در قالب دعا عرضه به درگاه خدای متعال که تازه ما لایق نیستیم که به آن‌ها سلام کنیم و درود بفرستیم، خدایا تو بفرست. خیلی بزرگ است. و البته در پاسخ به آن دعوت الهی است که «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيَّهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا».

مبارزه بی‌امان امام سجاد (علیه‌الصلوة والسلام) با حاکمیت خلفای جور

نکته دوم؛ حضرت به این اکتفا نکردند. شما به صحیفه مبارکه سجادیه مراجعه می‌کنید علاوه بر این امام (علیه‌السلام) به مناسبت‌هایی وارد اصل مسئله هم می‌شوند. مثلاً شما از جمله فرض

چه کسی را به عنوان خلیفه و جانشین خودش قرار داده است؟ «فی ارضک»، یعنی برای اداره زمین، اداره منابع زمین، اداره انسان‌ها، اداره امور عالم، خب معنایش این است. رهبری فکری، رهبری معنوی، رهبری سیاسی، اجتماعی، که این‌ها عمدتاً در حوزه رهبری سیاسی تعریف می‌شود، اگر امام در موضع حکم نباشد، فرمان ندهد، سازماندهی نکند، جیش و لشگر و امکانات و بیت‌المال و امثال این‌ها در اختیارش نباشد که کاری پیش نمی‌رود، آن وقت همه این‌ها در اختیار دیگران، آقا شما هم آقا هستید، تشریف داشته باشید دعا بخوانید، نصیحت بفرمایید. این همان خط سکولاریسمی است که از سقیفه شروع

اوائل می‌گفتند خلیفه پیامبر، این‌ها طراحی‌هایشان به گونه‌ای شد بعد از یک مدتی عنوان خلیفه پیامبر را دیگر استفاده نمی‌کردند می‌گفتند خلیفه الله. باورتن می‌شود به یزید کثیف ملعون، فاقد همه شرافت‌ها می‌گفتند خلیفه الله. حتی نمی‌گفتند خلیفه رسول‌الله، یا خلیفه مسلمین، می‌گفتند خلیفه الله. کار به این جاها رسیده بود.

آن وقت امام (علیه‌السلام) این جا به این شکل، ببینید «حفظه دینک و خلفائک فی ارضک و حججک علی عبادک» این یعنی هر کسی غیر از خاندان پیامبر که حائز مقام علم و عرفان و عصمت و ولایت و حکمت الهی هستند اگر در جایگاه خلافت باشند این‌ها غاصب هستند، خداوند

شد و روزگار بشر را سیاه کرد. این همان سکولاریسم است. همین جدایی دین و سیاست و این‌ها است. دعا چهل و هفتم دعای عرفه است، دعای چهل و هشتم دعای عید قربان است که جمعه و قربان می‌شود دعای چهل و هشتم، در دعای چهل و هشتم حضرت می‌رود به میدان مواجهه صریح. «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لَخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعَ أَمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَّصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَزَوْهَا» یعنی حضرت فاجعه را این‌جا مطرح می‌کنند. که این‌مقام جایگاه خلافت و امامت، این اختصاص دارد به خلفای تو و اصفیای تو و برگزیدگان تو که قبلش سخن از اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

استمرار وجود اقدس پیامبر اعظم (صلوات‌الله‌علیه)، «لَخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعَ أَمْنَائِكَ» آن‌هم در عالی‌ترین درجه‌ای که تو به آن‌ها اختصاص دادی «قَدْ ابْتَزَوْهَا» این همان است که در زیارت عاشورا می‌گوییم «دفعتم عن مقامکم» شما را کنار گذاشتند. از چی کنار گذاشتند؟ از علم؟ مگر می‌شود علم را از ولی کامل گرفت؟ از عرفان؟ از حکمت؟ از اخلاق؟ از ولایت تکوینی؟ از ولایت باطنی که کسی نمی‌تواند از امام بگیرد، اما ولایت ظاهری، مدیریت اجتماعی، خلافت ظاهری، اداره سیاسی جامعه را بله می‌تواند بگیرند، آن وقت جای علی بن ابیطالب دیگران بنشینند. پس این هم یک نکته که حالا در این حد شما داشته

باشید، این یک بحثی است که خیلی مفصل است. وجهه سیاسی صحیفه مبارکه سجادیه که در واقع مبارزه بی‌امان امام سجاد (علیه‌الصلاة والسلام) با حاکمیت خلفای جور هست، این در صحیفه یک جلوه خاصی دارد که با امعان نظر و دقت قابل دریافت هست.

امیدواریم ان شاءالله خداوند تبارک و تعالی توفیق استضاءه و استناره، دریافت لطف و عنایت الهی را از صحیفه مبارکه سجادیه به نحو جامعش روزی ما قرار بدهد، ما هم از این حماسه بزرگ امام سجاد (علیه‌السلام) در زندگی مان همه جوره درس بگیریم، هم در زندگی سیاسی و اجتماعی مان، هم در زندگی فردی و تربیتی خودمان ان شاءالله به لطف حضرت حق.





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر